



## اسطوره‌ها در زبان روان‌شناسی و روان‌پزشکی - ۱

دکتر مجید صادقی

او تمام روز را به گردش در قصر و باغ آن گذراند و شبانگاه موجودی را نزد خود احساس کرد؛ او همان شوهری بود که خبر آن را قبلاً شنیده بود. پسیشه وجود او را حس می‌کرد، ولی قادر به دیدنش نبود. شوهر به وی گفت که هرگز نمی‌تواند او را ببیند و اگر در این کار تلاش کند، برای همیشه او را از دست خواهد داد. پس از چند هفته، پسیشه که از دوری خانواده‌اش دل‌تنگ شده بود، از شوهرش خواست تا به نزد آنها برود. در منزل پدر خواهرش به او گفت که مخفیانه با خود چراغی برد و شب هنگام که شوهرش در خواب است، او را در نور چراغ ببیند. پسیشه پس از بازگشت، این دستور را اجرا کرد و دید که جوان زیبایی در کنار او به خواب رفته است. از شدت هیجان، دستش لرزید و یک قطره روغن جوشان از چراغ روی جوان چکید. عشق (Eros) از خواب پرید و همان طور که پیش از آن گفته بود، از آنجا گریخت و دیگر باز نگشت. پسیشه که حمایت «عشق» را از دست داده بود، در دنیا سرگردان و بی‌پناه شد. یک بار خدایان به او مأموریت دادند که یک شیشه اکسیر جوانی را که گشودن در آن ممنوع بود با خود حمل کند، اما او از سر کنجکاوی در شیشه را باز کرد و بر اثر آن به

مروری دارد بر این مفاهیم، شناخت این اسطوره‌ها و کاربرد آن در روان‌پزشکی و روان‌شناسی روزمره.

### Psyche

نفس، حیات، روان، روح انسانی، ذهن در برابر وجود فیزیکی ارگانیک است که به عنوان پیشوند، در بسیاری از اصطلاحات روان‌پزشکی (Psychiatry) و روان‌شناسی (Psychology) به کار می‌رود.

اسطوره‌شناسی: پسیشه (Psyche)، دختر پادشاهی بود که زیبایی فوق‌انسانی داشت و از این رو، خواستگاران بیم داشتند که به خواستگاری‌اش بیایند. پیشگویی، پدر را راهنمایی کرد تا دختر را مانند عروسی بیاراید و بر تخته سنگی بنشانند، پس آن گاه، موجود عجیبی به سراغ او خواهد آمد و وی را با خود خواهد برد؛ پدر نیز چنین کرد. پسیشه را همان‌گونه که پیشگو گفته بود، بر تخته سنگی نشاندند بودند که احساس کرد بادی او را به هوا می‌برد و هنگامی که خود را یافت، در قصر زیبایی بود.

اتیمولوژی (etymology یا فقه‌اللغت) پزشکی، زیر شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به ریشه‌یابی لغات و اصطلاحات پزشکی می‌پردازد که در این بین، ریشه یونانی و لاتینی اصطلاحات پزشکی اهمیت ویژه‌ای دارند. دست کم، ۵۰ درصد ذخیره لغات انگلیسی، منشأ یونانی و لاتینی دارد و برآورد شده است که ریشه تا ۷۵ درصد اصطلاحات علمی، برخاسته از این زبان‌هاست. روان‌پزشکی نیز به عنوان شاخه‌ای از پزشکی، از این قاعده مستثنی نیست. دقت در اصطلاحات روزمره روان‌پزشکی (از قبیل اسکیزوفرنی، سوماتوفرم، هینوتیزم، دمانس، دلیریوم و ...) مدعای این واقعیت است، اما نکته جالب توجه در اتیمولوژی روان‌پزشکی، استفاده از مفاهیم اساطیری، به ویژه اسطوره‌های یونانی و رومی، در ساختار این اصطلاحات است؛ به طوری که شاید برای بیان دنیای راز گونه روان انسان، یکی از گزینه‌های مناسب، همانا استفاده از اسطوره‌شناسی غنی و پیچیده یونانی - رومی باشد. این سلسله مقالات



خواب عمیقی فرو رفت. عشق که از دوری پسیشه نومید و نگران شده بود، به نزدیکش آمد و با اشاره نوک تیز تیر خود به بدن او، بیدارش کرد و مجدداً با او ازدواج نمود. کنجکاو در حریم‌های ممنوع، ورود به آنها، گشودن رازها و نیاز به عشق، ویژگی پسیشه است و شاید از این روست که روان آدمی، پسیشه نام گرفته است.

## Eros

اصطلاحی است که زیگموند فروید در نوشته‌های اولیه خود، از آن به عنوان استعاره‌ای شاعرانه، برای بیان نیروی حیاتی و غریزه جنسی به کار برد. متون روان تحلیلی انگیزشی، شامل غریزه محافظت از خود است که هدف آن بقای موجود می‌باشد و نیز غریزه جنسی را شامل می‌شود که هدف آن بقای نوع است. Eros، به عنوان پیشوند، در اصطلاحاتی از قبیل *Erotic*، *erotomania*، *eroticism* و ... به کار می‌رود.

اسطوره‌شناسی: اروس خدای عشق است که همزمان با ولادت زمین به دنیا آمده است. او را نیروی اساسی دنیا می‌دانستند. ادامه انواع را او تأمین می‌کرد و پیوستگی کشش درونی اجسام و اجزای طبیعت به عهده او بود. معمولاً او را کودک بالدار که تیر و کمانی با خود حمل می‌کند، تصور می‌کنند که می‌تواند با تیر خود قلب‌ها را مجروح کند. وی عاشق پنهان و در نهایت همسر پسیشه بود.

## Thanatos

غریزه نیستی یا مرگ است؛ اصطلاحی که فروید در مقابل اروس به کار برد. در نظریه‌های روان تحلیلی، غریزه مرگ در جهت انهدام حیات و بازگشت به وضعیت غیر ارگانیک عمل می‌کند. انگیزش‌های نیستی‌گرایانه و تهاجمی در تمام اشکال خود از قبیل خشونت، پرخاشگری یا سادیسم، مظاهر تاناتوس هستند. در متون روانپزشکی و روان‌شناسی، *thanatology* یا مرگ‌شناسی به واکنش‌های آدمی پیش از مرگ و در حین آن، سوگ و مراحل آن می‌پردازد.

اسطوره‌شناسی: تاناتوس، فرشته مذکر بالدار است که تجسم مرگ محسوب می‌شود. وی برادر خواب (*Hypnos*) است؛ به نحوی که آنها را پسران شب می‌دانند.

## Mort

یا غریزه مرگ؛ مشابه تاناتوس است. پل فدرن (*Paul Federn*)، اصطلاح *Mortido* را به همین معنا به کار برده است.

اسطوره‌شناسی: در اساطیر رومی، به عنوان معادل تاناتوس (در اساطیر یونانی) به کار رفته است.

## Hypno

پیشوندی است به معنی خواب که در اصطلاحاتی از قبیل *Hypnagogic*، *Hypnotic*، *Hypnosis* و مشابه آن به کار می‌رود.

اسطوره‌شناسی: *Hypnos*، تجسم خواب، پسر خواب و برادر دوقلوی *thanatos* (مرگ) است. وی را به صورت موجودی بالدار که در حال پیمودن زمین و دریا و خواب کردن موجودات است، نمایش می‌دادند.

## Morphine

الکالوئید اصلی و جزء فعال عصاره تریاک است که اولین بار سرتونر (*F. Sertüner*)، با جدا کردن آن از تریاک، از اصطلاح مورفین

برای نامگذاری این ماده استفاده نمود.



*اسطوره‌شناسی:* Morphé، یکی از هزار فرزند خواب (Hypnos) است. نام وی که از کلمه یونانی Morph (شکل، قالب) مشتق شده، نشان دهنده وظیفه اوست. او مأمور بود که به شکل انسان در بیاید و در برابر مردمی که در خواب بودند، ظاهر شود. او بال‌های سریعی داشت که بدون صدا به حرکت در می‌آمد و در یک چشم زدن او را به اقصای نقاط عالم می‌رساند.

### Aura

یک احساس ذهنی یا پدیده حرکتی است که پیش از یک حمله پاروکیسمال (از قبیل حملات صرعی یا میگرنی) بروز می‌کند و نشان دهنده بروز قریب الوقوع این حملات است.

*اسطوره‌شناسی:* اورا به معنای نسیم است و در اسطوره‌های یونانی دختری بود که سرعتی همچون باد داشت، گذرا بودن و مدت کوتاه اورای صرعی یا میگرنی، دلیل این نامگذاری است.

### Oneiro

پیشوندی به معنی رویاست. در اصطلاحاتی از قبیل Oneirism, Oneiroid state و موارد مشابه به کار می‌رود.

*اسطوره‌شناسی:* Oneiros یا رویا از فرشتگانی بود که از طرف زئوس، خدای خدایان، مأمور فریب دشمنان او می‌شد. از این رو، حالات خواب در بیداری، توأم با توهم‌های گوناگون و عدم تشخیص واقعیت از تخیل را، Oneiroid می‌نامند.

ادامه دارد